

گفت‌وگو با «علی پنجه‌ای»، مجری نابینای رادیو

# نوجوانی؛ دنیایی عجیب و غریب و رنگارنگ

خرداد ۱۳۷۷ است، از خانواده‌ای متوسط و اکنون در کلاس سوم دبیرستان رشته علوم انسانی درس می‌خواند. او یکی از مجری‌های برنامه‌های رادیویی است. از سال ۸۱ کارش را با اجرا در برنامه‌ی «سلام کوچولو» شروع کرده و بعد اجرا و خوانندگی شعرهای این برنامه و همچنین تیتراژ برخی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مانند «آمین» و «روشن ضمیران» را برعهده داشته است.

یکی مثل تو است. درست هم‌سن و سال تو. علی پنجه‌ای را می‌گویم که یک نوجوان است از جنس خودت، اما چه شده که سوژه‌ی مصاحبه‌ی این هفته‌ی کوله‌پشتی شده؟! می‌گویم. چشم‌های او نابینا هستند، اما این مسئله باعث نشده که دست از تلاش و حرکت بردارد. روحیه‌ی خستگی‌ناپذیرش برای رسیدن به موفقیت سبب شده در زمینه‌های مختلف فعالیت کند. وقتی از علی می‌خواهم که ما را بیش‌تر با خودش آشنا کند، می‌گوید که متولد

شب‌های رمضان، همراه گروه «سلام کوچولو» شرکت می‌کنم. برخی موسسات خیریه در برنامه‌های ازدواج عروس و دامادهای کم‌بضاعت و همچنین بچه‌های ایتم و کودکان استثنایی و خیرین مدرسه‌ساز که مرا دعوت کرده‌اند، برنامه اجرا کرده‌ام و شعر به همراه موسیقی خوانده‌ام و هیچ دستمزدی هم نمی‌گیرم.

● در زمینه‌ی موسیقی فعالیت داری؟

بله. ساز پیانو کار می‌کنم. چندین کلیپ خوانده‌ام که در رادیو پخش شده و دو قطعه هم به نام‌های «مادر» و «وطن» خوانده‌ام که در شبکه‌های تلویزیون به پخش رسیده.

● شنیده‌ام در زمینه‌ی حفظ قرآن و زبان انگلیسی هم فعالیت می‌کنی...

بله. تا کنون ده جز از قرآن را حفظ کرده‌ام و یکی از آرزوهایم این است که روزی حافظ کل قرآن شوم. هفته‌ای یک روز هم به کلاس ترجمه و تفسیر قرآن می‌روم. قرآن به من انرژی مثبت می‌دهد. با زبان عربی هم آشنا می‌شوم. به کلاس زبان می‌روم و الان در سطح upper intermediate هستم.

● یک آیه از قرآن را که همیشه زمزمه می‌کنی، به ما هدیه کن.

آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره: لا یكلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت؛ خدا هیچ‌کس را تکلیف نکند، مگر به قدر توانایی او. نیکی‌های هر کس به سود خودش و بدی‌هایش نیز به زیان خود اوست.

● موفقیت‌هایت را مدیون چه کسی هستی؟

بیش‌تر از همه پدر و مادرم که خیلی برایم فداکاری کردند تا من پیشرفت کنم.

● راستی تعریف تو از نوجوانی چیست؟

نوجوانی دوره‌ی حفاصل کودکی و بزرگ‌سالی است. دنیایی عجیب و غریبی است. همه‌چیزش در لحظه اتفاق می‌افتد، هیجانات لحظه‌ای و حتی شادی‌ها و غصه‌ها لحظه‌ای هستند.

● دنیای نوجوانی تو چه رنگی است؟

رنگارنگ، مثل رنگین‌کمان.

● اگر بخواهی دو کلمه خودمانی با نوجوان‌هایی که این مصاحبه را می‌خوانند حرف بزنی، چه می‌گویی؟

بچه‌ها از زندگی‌تان لذت ببرید و قدر لحظه‌لحظه‌تان را بدانید. هدف‌های خوب نشانه بگیرید و تا می‌توانید تلاش کنید. برای رسیدن به هدف عجله نکنید. به بچه‌های معلول یا نابینا مثل خودم هم می‌گویم از این محدودیت‌ها به عنوان یک پل برای پیشرفت استفاده کنید و ناامید نشوید.



کنار اجرا به برنامه‌نویسی کامپیوتر نیز خواهم پرداخت.

● از نظر تو ویژگی یک مجری خوب چیست؟

مجری خوب کسی است که با مخاطب صادق باشد، در هر شرایطی بتواند برنامه را اداره کند، مشکلات شخصی خود را به برنامه نیاورد و درگیر کلیشه‌ها نشود.

● مجری مورد علاقه‌ی تو؟

فرزاد حسینی و علیرضا جاویدنیا.

● خودت چه قدر رادیو گوش می‌کنی؟

هر زمان اوقات فراغت داشته باشم. بیش‌تر هم برنامه‌های رادیو ایران و رادیو نمایش را گوش می‌کنم، چون به مباحث سینما و تئاتر و نمایش‌های رادیویی علاقه دارم.

● جای کدام برنامه‌های رادیویی را خالی می‌بینی؟

راستش برنامه‌ی رادیویی برای نوجوانان کم تولید می‌شود، چون کار سختی است. اما نوجوانان به برنامه‌های صمیمانه و طنز خیلی علاقه و البته نیاز دارند. امیدوارم برنامه‌سازان به این موضوع توجه کنند.

● تا به حال هنگام اجرا سوتی هم داده‌ای؟

اووه. تا دلت بخواهد. یک بار در یک برنامه‌ی زنده به جای این که بگویم «عزاداری‌های‌تان قبول» گفتم «زیارت‌تان قبول». آخه آن روز امتحان تاریخ داشتم و خیلی استرس داشتم.

● اوضاع درس و نمره‌هایت چه‌طور است؟

خوب است. نمرات بالا می‌گیرم. انضباطم هم بیست است. فقط وقتی کلاس دوم بودم، یک بار از دیکته صفر

گرفتم

● برای برنامه‌های خیریه هم اجرا داشته‌ای؟

خیلی زیاد. در برنامه‌های جشن نیکوکاری، جشن عاطفه‌ها،

● اول از همه بگو چه‌طور به رادیو راه پیدا کردی؟

وقتی دو سال و شش ماهم بود، به بیماری سرطان چشم مبتلا شدم و همه‌اش در بیمارستان بودم؛ برای همین مادرم برایم یک رادیوی کوچک خرید تا به آن گوش کنم و سرگرم شوم. یک روز شماره‌ی برنامه را گرفتم و برای‌شان شعر خواندم. آن‌ها هم مرا به رادیو دعوت کردند.

● برای چه کاری؟

برای شعرخوانی. البته ابتدا به عنوان مهمان در برنامه شرکت می‌کردم، ولی کم‌کم با استعدادی که از خودم نشان دادم به عنوان مجری برنامه انتخاب شدم و شروع به همکاری کردم.

● کمی از برنامه بگو؟

سلام کوچولو هر روز ساعت ۹:۴۵ صبح از رادیو پخش می‌شود و برنامه‌ی خردسالان است و بچه‌ها مهمان برنامه می‌شوند. در این برنامه به موضوعات مختلفی از بهداشت گرفته

تا توجه به قوانین راهنمایی و رانندگی پرداخته می‌شود. همچنین مسائل و موضوعات روز. الان دیگر من خوانندگی شعرهای برنامه (به همراه موسیقی) را برعهده دارم.

● خودت هم شعر می‌گویی؟

نه. اما در زمینه‌ی شعر و ادبیات زیاد مطالعه می‌کنم. به اشعار حافظ و سهراب سپهری خیلی علاقه دارم. رمان هم زیاد می‌خوانم. از آن‌جا که کتاب به خط بریل (خط ویژه‌ی نابینایان) در کشور زیاد نیست، از کتاب‌های صوتی و الکترونیک بیش‌تر استفاده می‌کنم.

● چه چیز رادیو برای تو جذاب است؟



این که هزاران نفر در کشور صدای مرا می‌شنوند و من می‌توانم با مخاطب ارتباط برقرار کنم.

● می‌خواهی در آینده هم این کار را ادامه بدهی؟

بله. رادیو رسانه‌ای گرم و دوست‌داشتنی و آموزنده است. البته در